درس : املای فارسی(تقریری) پایه :هفتم متوسطه اول تاسیس ۱۴۰۰ دبیرستان دخترانه غیر دولتی چکاد دانش	باسمه تعالی اداره آموزش و پرورش شهرستان گچساران آزمون نوبت دوم نوبت صبح سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲	تاریخ امتحان : ۱۴۰۳/۳/۱۳ مدت امتحان : ۵۰دقیقه ساعت امتحان : ۷:۳۰ صبح بارم :۲۰نمره

عروج جانسوز رئیس جمهور محبوب و همراهانش تسلیت باد

متن تقریری

--همه ی آنچه در تحلیل های دشمنان این ملت و این کشور به عنوان نقطه ی مرکزی مشاهده می شود،این است که نسل جوان و پر شور و آینده ساز را از راه های مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و پاکیزه ی آینده، ناتوان کنند اما به رغم تلاش های دشمنان ،واقعیت ،عکس این است (درس سوم)

--می گویند:اسکندر درأثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزار ها را خواند و به حیرت فرو رفت زیرا مدت حیات صاحبان قبورکه بر روی سنگ ها حک شده بود ،هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد (درس هشتم)

--حُجره ای ساده و کوچک نصیب او شد.حجره ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبود و گلیم کهنه و ساده ای کف آن را پوشانده بود.حجره ای که برای محمد تقی از همه ی دنیا بزرگ تر بود حالا می توانست درکلاس استادان مختلف شرکت کند (درس نهم)

--پروفسور حسابی ، هر وقت از خواندن و پژوهش فراغت می یافت،به باغبانی می پرداخت و در زمان مناسب از بیل زدن باغچه یا خالی کردن آب حوض خانه اش هم پروایی نداشت.استاد حسابی ،خود حافظ قران بود و فرزندانش را از کودکی به یادگیری و انجام واجبات دینی تشویق می کرد.حتی آنان را به تلاوت آیات به شیوه ی صحیح و درک کامل معانی آنها وا می داشت(درس دهم)

--رسول اکرم صلی اللهُ علیه و اله ،با خدمتکارانش نیز رأفت و عطوفت داشت.اَنس بن مالک می گفت:"در مدت ده سال که شبانه روز در خدمت و در خانه اش بودم یک بار تند خویی و سخن درشت از او ندیدم و نشنیدم. در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی سیمایی محزون داشت. (درس سیزدهم)

--"دونا" معلم مدرسه ی کوچکی بود و دوسال تا بازنشستگی فرصت داشت.من هم به عنوان بازرس در کلاس ها شرکت می کردم و سعی داشتم در امر آموزش ،تسهیلاتی را فراهم آورم. آن روز به کلاس "دونا"رفتم و روی نیمکت ته کلاس نشستم .شاگردان سخت مشغول پر کردن اوراق بودند (درس هفدهم)

www.kanoon.ir